

تبیین جامعه‌شناختی تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی درون گروهی (مطالعه موردی شهر اصفهان)

وحید قاسمی، دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان

زهرا امیری اسفرجانی، کارشناس ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان*

چکیده

هدف از نگارش مقاله حاضر تبیین نظری و تجربی مدل تحلیلی است که در آن دینداری و ابعاد آن در نقش متغیر بیرونی و سطح سرمایه اجتماعی در نقش متغیر درونی تعریف شده‌اند. تعریف هر یک از پارامترهای تدوین شده در مدل پژوهش دارای مبنایی نظری است. چهارچوب نظری پژوهش با استفاده از نظریات اندیشمندان مختلف چون دورکیم، وبر، برگر، مالدینوفسکی، آسلینر، فوکویاما، کلمن، پاتنام تدارک دیده شده است. ترکیب وزنی متغیرهای آشکار به منظور تعریف سازه‌های پنهان با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم انجام شده است. روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه دارای اعتبار و قابلیت اعتماد است. جامعه آماری تحقیق جمعیت ۱۵ سال به بالای شهر اصفهان، تعداد نمونه ۳۸۴ نفر و روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای براساس متغیرهای گروه سنی، جنس و منطقه محل زندگی بوده است. نتیجه مطالعه نشان داد که اکثر افراد نمونه به لحاظ سطح دینداری و سرمایه اجتماعی در سطح متوسط و بالا و تنها درصد کمی از آنها در سطح ضعیف قرار داشته‌اند. آزمون فرضیه‌ها نشان داد که دینداری به میزان ۰/۱۴ بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد و این تأثیر در سطح کمتر از ۰/۰۵ و معنادار بوده است. از بین ابعاد دینداری، بعد اعتقادی با میزان ۰/۰۹ بیشترین تأثیر را بر سرمایه اجتماعی داشته است و بعد از آن به ترتیب بعد مناسکی با ۰/۰۸، بعد پیامدی با ۰/۰۶ و بعد عاطفی با ۰/۰۵ بیشترین تأثیر را در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بر سرمایه اجتماعی داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: دینداری، سرمایه اجتماعی، آگاهی، اعتماد، مشارکت

مقدمه

مشکلات متقابل و دستیابی به اهداف جمعی، همواره مورد توجه اندیشمندان مختلف قرار گرفته است. در حقیقت سؤالاتی از این قبیل که افراد جامعه چگونه با وجود منافع متضاد شخصی با یاری و همکاری یکدیگر

نحوه تعامل افراد جامعه با یکدیگر، نوع شبکه‌های روابطی که بین آنها شکل می‌گیرد، ارزشهای حاکم بر این روابط و مهم تر از همه نحوه مشارکت افراد برای حل

مشکلات جمعی و مسائل عمومی جامعه را رفع و حل می‌کنند در کانون این توجه قرار داشته است. ادبیات سرمایه اجتماعی در گسترده ترین سطح تلاش دارد تا با رویکردی علمی پاسخگوی چنین پرسش‌هایی باشد. در واقع مفهوم سرمایه اجتماعی چهارچوبی برای تفکر دقیق درباره کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی افراد جامعه به دست می‌دهد و تشریح کننده ویژگی‌های گروه‌های مختلف اجتماعی است که قدرت سازماندهی جمعی و داوطلبانه برای پیشبرد خیر عمومی در جامعه را افزایش می‌دهد. کیان تاجبخش برای نشان دادن مفهوم سرمایه اجتماعی می‌نویسد که اگر سرمایه فیزیکی، زمین و وسایل تولید فرد است، سرمایه مالی پولی است که او در بانک دارد و سرمایه انسانی دانشی است که در ذهن فرد وجود دارد، سرمایه اجتماعی چیزی است که در روابط یا شبکه‌های فرد با دیگر افراد وجود دارد (کیان تاجبخش، ۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی به رابطه بین کنشگران انسانی مربوط است و از آنجا که در خلال روابط اجتماعی شکل می‌گیرد نامحسوس است و به همین دلیل کمتر مورد شناسایی قرار می‌گیرد. سرمایه اجتماعی گرچه ناملموس است اما ملات چسبنده دیگر اشکال سرمایه است و باعث بازدهی بالاتر آنها می‌شود. به عبارتی دیگر بستری است که انواع دیگر سرمایه در آن به بار می‌نشیند. سرمایه اجتماعی در تعاملات اجتماعی افراد جامعه موجود است که برای رسیدن به هدفی مشترک با یکدیگر مشارکت دارند. مرور ادبیات مربوط به سرمایه اجتماعی گویای رابطه تنگاتنگ سرمایه اجتماعی با توسعه است تا آنجا که می‌توان گفت سرمایه اجتماعی، ابزاری برای رسیدن به توسعه همه جانبه است و از آنجا که یک مفهوم

میان رشته‌ای است، رویکرد سرمایه اجتماعی می‌تواند مایهٔ اجماع اندیشمندان رشته‌های مختلف (جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی و ...) در تدوین راهبردهای جدید توسعه باشد. نقش سرمایه اجتماعی در توسعه آن چنان اهمیتی دارد که اغلب از آن به عنوان جوهره یا بنیان جامعه مدنی فرهنگ‌های سیاسی دموکراتیک یاد می‌شود (کیان تاجبخش، ۱۳۸۴). در اقتصاد توسعه یافته سرمایه اجتماعی را حلقهٔ مفقودهٔ توسعه اقتصادی نام نهاده‌اند (بهزاد، ۱۳۸۱). سرمایه اجتماعی دارای آثار دوگانه مثبت و منفی است که می‌توان به صورتهای گوناگون از آن بهره برداری کرد. هر چند بتازگی ادبیات انتقادی علیه آن شکل گرفته است تا جایی که به عنوان مثال فاین (۱۳۸۵) از آن به عنوان مولود نامبارک ازدواج جامعه‌شناسی با اقتصاد یاد می‌کند؛ اما به دلیل پیامدهای مثبت شناخته شده‌ای که به بار می‌آورد و از سوی دیگر به دلیل ماهیت خاص (خصوصاً ویژگی میان رشته‌ای و چند بعدی بودن و محتوای آن) قابلیت آن را دارد که به عنوان ابزاری اساسی در تبیین و توضیح مشکلات اجتماعی چون فقر، جرم، ... به کار گرفته شود و این امر در کشورهای جهان سوم بویژه ایران که در مرحله گذار به سر می‌برند و بنابراین با انبوهی از مسائل و مشکلات اجتماعی روبرو هستند، می‌تواند به عنوان راه حل مشکلات اجتماعی به کار گرفته شود. با وجود تمامی کارکردهای مثبت پیش گفته که سرمایه اجتماعی برای جامعه به ارمغان می‌آورد؛ اما مطالعات انجام شده نتایج رضایت بخشی را دربارهٔ وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران نشان نمی‌دهند؛ کاظمی پور (۱۳۸۳)، موسوی (۱۳۸۵)، رنانی (۱۳۸۱)، تحقیقی (۱۳۸۲)، متوسلی و بی‌نیاز (۱۳۸۲)، قاسمی،

اسماعیلی و ربیعی (۱۳۸۵) طی مطالعات جداگانه به نتیجه‌ی مشابهی رسیدند، آنها نشان داده‌اند که هر چند در برخی از شاخصهای جزیی سرمایه اجتماعی می‌توان وضعیت مطلوبی را مشاهده کرد؛ اما در مجموع نتایج پژوهش‌های انجام شده تأیید می‌کنند که سرمایه اجتماعی در ایران در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. با توجه به اهمیتی که سرمایه اجتماعی برای بهبود عملکرد مطلوب جامعه دارد، یکی از راه‌حل‌های متصور برای این مسأله (تا قبل از اینکه به یک بحران اجتماعی تبدیل شود) تحقیقات عمیق‌تر و جزئی‌تر در این زمینه در جهت کمک به حفظ سرمایه اجتماعی موجود و جلوگیری از فرسایش آن و تقویت آن به عنوان راهبردی برای نیل به توسعه همه‌جانبه است. با توجه به مطالب مطروحه به طور قطع شناسایی عوامل موثر در ساخت و افزایش سرمایه اجتماعی یکی از موارد ضروری جامعه فعلی ما به شمار می‌آید.

فوکویاما (۱۹۹۵) در تقسیم‌بندی عوامل ساخت سرمایه اجتماعی، برخی از این عوامل را عوامل بیرونی و یکی از عوامل بیرونی را دین می‌داند. دین بخش بزرگی از فرهنگ انسانی را تشکیل می‌دهد که می‌تواند با ایجاد باورها و ارزش‌های مشترک میان پیروان خود و فراخوانی آنها به انجام مناسک و اعمال مذهبی مشترک آنان را به دور یکدیگر جمع کرده و از این طریق موجبات استحکام و دوام اجتماعی را فراهم کند. از سوی دیگر همین ویژگی بارز دین؛ یعنی متحد ساختن افراد با یکدیگر به هنگام ضرورت اجتماعی می‌تواند این افراد یکپارچه را به رویارویی با ظلم و استبداد فراخواند و بدین ترتیب به گلوگاه انقلابی تبدیل شود که هدفش مبارزه با ظلم و ستم بیدادگران است. از دیگر کارکردهای دین آن است

که چتر حمایت معنوی خود را بر پیروانش می‌گستراند و موجبات آرامش روحی و امید به آینده را در آنان فراهم می‌آورد دیگر آنکه از طریق دعوت به هنجارها و ارزش‌های مثبت تثبیت شده، اسباب شکل‌گیری تعاملات اجتماعی سالم مبتنی بر سجایای اخلاقی مثبت چون صداقت، نوع دوستی، ایثار و اعتماد را فراهم می‌کند و بنابراین به مشارکت‌های گسترده افراد با یکدیگر دامن می‌زند و در نتیجه به ایجاد فضای مطلوبتر اجتماعی منجر می‌شود. دین می‌تواند با ایجاد شبکه‌های روابط بین پیروان خود مبنایی برای تولید و قوام سرمایه اجتماعی شود و به نظر می‌رسد تغییر در کیفیت آن به تغییر در سطح برخورداری از سرمایه اجتماعی منجر شود. همچنین با توجه به تأثیری که دین می‌تواند بر چگونگی روابط میان آدمیان (که دغدغه خاطر اندیشه و رزان حوزه سرمایه اجتماعی است) داشته باشد ضرورت تبیین دقیق و علمی تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی و نشان دادن چگونگی این تأثیر و بررسی جهت و شدت آن روشن می‌گردد. بنابر این در این مطالعه به دنبال بررسی چنین تأثیری هستیم.

مروری بر پژوهش‌های انجام شده

واتناو در پژوهشی با عنوان «مشارکت‌های مذهبی و سرمایه اجتماعی برون گروهی» بر روی جمعیت بزرگسالان آمریکا نشان داده است که مشارکت‌های مذهبی و انجام مناسک دینی چون حضور در کلیسا هیچ رابطه معناداری با میزان سرمایه اجتماعی برون گروهی ندارد؛ اما یافته‌های وی نشان داده است که عضویت در یک اجتماع دینی و انجام مناسک دینی و بطور خلاصه

فنلاند) صورت گرفته است که تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی در نتایج آن بخوبی ترسیم شده است.

مشاهدات این تحقیق نشان می‌دهد که مشارکت کنندگان در امور مذهبی نگران گروه‌های مختلف مردم و در صدد کمک به آنها هستند و در مقایسه با گروه‌های دیگر از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند. این افراد همچنین بشدت به محافل اجتماعی کوچک (اعضای کلیسای محل) محدود می‌شوند. با این همه، ظاهراً مشارکت‌های داوطلبانه مذهبی نشان دهنده سرمایه اجتماعی درون گروهی بالایی در بین افراد است. از سوی دیگر افراد دیندار ممکن است، به دلیل گرایش‌های نوع دوستانه و اشتیاق برای کمک به دیگران به منزله سرمایه اجتماعی برون گروهی توصیف شوند؛ اما قطعاً نماد سرمایه اجتماعی درون گروهی در زندگی فردی هستند. نتایج دیگر تحقیق نشان می‌دهد، هر چه افراد مذهبی‌تر باشند (دیندارتر باشند) احتمال مشارکت‌های داوطلبانه آنها در کلیسا بیشتر است (Yeung, 2004: 401-422).

«تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان» عنوان پایان نامه‌ای است که گنجی (۱۳۸۲) آن را به انجام رسانیده است. او در پی تبیین وضعیت دینداری دانشجویان بوده است و در یکی از فرضیه‌ها به بررسی تأثیر میزان دینداری دانشجویان بر سرمایه اجتماعی پرداخته است. در این تحقیق دینداری با استفاده از مدل گلاک با ابعاد اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی سنجیده شده است. سرمایه اجتماعی در دو سطح خرد و کلان سنجیده شده است. در سطح خرد، نحوه ارتباط فرد با نزدیکان مورد نظر بوده است و در سطح کلان احساس تعلق اجتماعی افراد و تقدم منافع جمعی بر فردی و ... مد

دینداری معنادارترین رابطه را با سرمایه اجتماعی درون گروهی دارد (Wuthnow, 2002: 669-684).

پژوهشی دیگر با عنوان «تأثیرات دینداری بر افسردگی در میان آمریکائیان آفریقایی تبار» انجام شده است که می‌توان به نوعی تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی را در آن مشاهده کرد. در تحلیل اطلاعات ارزیابی شده از این پژوهش آمده است که آئین کاتولیک با تشویق انجمن‌ها و افراد به صداقت و دیگر ارزش‌های اخلاقی باعث بالا رفتن سرمایه اجتماعی افراد از طریق ایجاد اعتماد و صداقت در روابط آنها و تعاملات مثبت میان آنان است. بنابر این بر اساس نتایج مشاهده شده محققان به تأثیر مثبت دینداری بر سرمایه اجتماعی دست یافتند (Johnson and Jang, 2004: 239-260).

در تحقیقی با عنوان «آیا سرمایه اجتماعی به عنوان مزیت تلقی می‌شود» نتایجی که به دنبال پژوهش درباره چگونگی تأثیر شکل‌های متفاوت سرمایه اجتماعی (درون گروهی و برون گروهی) بر میزان جرائم انجام شده، نشان داده است در ایالاتی که پیروان فرقه کاتولیک و پروتستان بیشتری وجود دارند، این فرقه‌ها شبکه‌های روابط اجتماعی را با یکدیگر تشکیل داده و بنابر این سرمایه اجتماعی درون گروهی بین آنها شکل گرفته است که این نوع سرمایه اجتماعی باعث کاهش جرایم در این نقاط نسبت به مناطقی که شبکه‌های روابط دینی که (در واقع سرمایه اجتماعی درون گروهی) کمتری دارند شده است (Beyerlein and Hipp, 2005: 995-1009).

پژوهشی دیگر با عنوان «پیوند میان دینداری، مشارکت‌های داوطلبانه و سرمایه اجتماعی» (مطالعه موردی

قرار گرفته و تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی نسبت به دیگر تحقیقات با دقت بیشتری مورد بررسی قرار گرفته است.

از سوی دیگر در پژوهش‌های انجام شده خارجی و داخلی دینداری تنها با یک یا دو بعد سنجش شده، مثلاً با بعد اعتقادی و مناسکی یا با شاخصهایی چون میزان حضور در کلیسا یا عضویت در اجتماعی دینی که این شاخصها بتنهایی نمی‌تواند معرف عامل دینداری باشد. در مورد سنجش سرمایه اجتماعی نیز این نقص به چشم می‌خورد با اینکه سرمایه اجتماعی یک مفهوم چند بعدی برای سنجش آن باید کلیه ابعاد و سطوح آن را در نظر گرفت در اکثر پژوهش‌های پیشین تنها بر برخی از سطوح آن تأکید شده، بطور مثال گنجی بر سطح خرد و کلان و فیروز آبادی تنها در سطح کلان به سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند ضمن آنکه محققان در پژوهش‌های پیشین از بین شاخصهایی که معرف سرمایه اجتماعی هستند تنها برخی از آنها را در نظر داشته‌اند، بطور مثال جانسون و جانگ (۲۰۰۴) بر صداقت و اعتماد و یانگ (۲۰۰۴) بر مشارکت تأکید گذارده‌اند.

دیگر آنکه هیچ‌یک از پژوهش‌های انجام شده، دارای چارچوب نظری منسجم و هماهنگی که بتواند به ترسیم دقیق تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی بپردازد و نهایتاً به استنباط و استخراج فرضیه‌ها منجر شود، نیستند. با توجه به مشکلات و نقایص ذکر شده در پژوهش کنونی کلیه ابعاد دینداری مد نظر قرار داده شده است و سرمایه اجتماعی با شاخص‌های آگاهی، اعتماد و مشارکت در سه سطح خرد، میانه و کلان در دو بعد ذهنی و عینی مورد بررسی قرار گرفته است. بطوری که شاخص‌ها در سطوح

نظر بوده است. نتایج این پژوهش همبستگی بین دینداری و سرمایه اجتماعی را در جهت مثبت و مستقیم با ۰/۹۹ اطمینان نشان داده است.

در تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران» که توسط فیروز آبادی (۱۳۸۴) به اتمام رسیده است. محقق به دنبال آزمون فرضیه‌های تحقیق از عمده‌ترین عوامل تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی را تعهد دینی، دین باوری، سطح تحصیلات، مشارکت رسمی و ... دانسته است. پژوهشگر دینداری را با دو بعد اعتقادی (دین باوری) و بعد مناسکی (تعهد دینی) سنجیده است. سرمایه اجتماعی در این تحقیق در بعد شناختی (آگاهی عمومی و سیاسی، اعتماد عمومی و نهادی) و در بعد عینی (مشارکت رسمی و غیر رسمی) را شامل می‌گردد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش سرمایه اجتماعی به ترتیب اهمیت از عواملی به این شرح تأثیر می‌پذیرد، تعهد دینی (بعد مناسکی دینداری): همبستگی مثبت و معنادار بر سرمایه اجتماعی، در ابعاد ذهنی و شناختی و در بعد رفتاری دارد و در مورد دین باوری (بعد اعتقادی دینداری) هر چند که با شدت ضعیف‌تری نسبت به تعهد دینی بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد به هر حال بر روی سرمایه اجتماعی تأثیر دارد.

مرور پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که تنها تعداد محدودی از تحقیقات به موضوع تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند در واقع بیشتر تحقیقات تنها تحت عنوان یک فرضیه به بررسی دینداری با سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند در حالی که در پژوهش پیش رو، بررسی تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی موضوع پژوهش

نظریه‌های مربوط به بعد اعتقادی

توکویل معتقد است که اعتقادات مذهبی نوعی انضباط اخلاقی در افراد پدید می‌آورد و در جامعه‌ای که انسجام آن مورد تهدید فردگرایی قرار گرفته، می‌تواند باعث همبستگی شود؛ زیرا این اعتقادات روح همگانی را در آنها ایجاد می‌کند و مسئولیت اجتماعی افراد را یادآور می‌شود (ویلیم، ۱۳۷۷). کنت معتقد است اگر اعتقادات دینی نبود، جامعه از هم می‌گسیخت، وی از اعتقادات دینی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اجماع اجتماعی یاد می‌کند و آن را سنگ بنای سامان اجتماعی می‌داند که همان شیرازهٔ نیرومندی است که افراد جامعه را به همدیگر پیوند می‌دهد (کوزر، ۱۳۸۲ و آرون، ۱۳۸۱). دورکیم معتقد است که اعتقادات مذهبی باعث می‌شود، افراد وابسته و مطیع یک قدرت خارجی شوند (همیلتون، ۱۳۷۷). به طوری که افراد منافع شخصی خود را از یاد می‌برند. در واقع اعتقادات دینی نوعی اقتدار اخلاقی به همراه دارد که احساس ملکوتی را در افراد بیدار می‌کند (آرون، ۱۳۸۱). او معتقد است اعتقادات دینی یک دید مشترکی از جهان به افراد جامعه اعطا می‌کند که سازماندهی افراد را تسهیل می‌کند (ترنر و بیگلی، ۱۳۸۴). به زعم بینگر اعتقادات دینی یک سری ارزشهای مطلق که افراد برای زندگی به آنها نیاز دارند فراهم می‌کنند. این ارزشهای مطلق پاسخی برای مسأله مرگ و زندگی که انسان نیاز به آن دارد فراهم می‌کند (توسلی، ۱۳۸۰). دیویس معتقد است از آنجا که هدفهای گروهی فطری نیستند باید با وسایلی حفظ شوند بنابراین برای دستیابی به این هدف، هدفهای گروهی باید با کنش‌های فردی پیوند خورده و کارکرد اعتقادات دینی انجام این کار است (همیلتون، ۱۳۷۷).

و ابعاد ذکر شده، جامعیت مفهوم سرمایه اجتماعی را در برگیرند، از طرفی دیگر نگارندگان بر آنند با تلاش در جهت ساخت چارچوب نظری که راهگشای تحقیق باشد تا حد امکان در رفع مشکلات و نقایص ذکر شده گامی هر چند کوچک؛ اما عملی بردارند.

چارچوب نظری

دین، دینداری و سرمایه اجتماعی

برای ساخت چهارچوب نظری تحقیق ابتدا کلیه نظریه‌های کلاسیک و جدید دین، ریشه‌های کلاسیک نظریه سرمایه اجتماعی و نظریه‌های معاصر سرمایه اجتماعی مورد مطالعه و تدقیق قرار گرفتند. سپس نظریه‌های مربوط به فرضیه‌های تحقیق و همگرایی‌های بین آنها از لابه لای مباحث بیرون کشیده شد و در نهایت به منظور آشکارسازی چهارچوب نظری مسأله تحقیق بصورت دقیق ابتدا به دسته بندی نظریه‌هایی که امکان طبقه‌بندی آنها براساس همگرایی‌هایشان بنابه تأکید که بر رابطه بین یکی از ابعاد دینداری، اعتقادی (باورهای دینی) - پیامدی (شدت گرایش به رفتارهای مبتنی بر اصول دین) - عاطفی (شدت احساسات و عواطف دینی) - مناسکی با مؤلفه‌ها یا شاخص‌هایی از سرمایه اجتماعی، وجود داشت، پرداخته شد. سپس نظریات اندیشمندانی که به بررسی تأثیرات دینداری به طور کلی بر سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند، مطرح شد. در اندیشهٔ اینان نیز معمولاً دینداری با ابعاد پیش گفته را به طور غیر محسوس می‌توان دید؛ اما از آنجا که به طور صریح از سرمایه اجتماعی یاد کرده‌اند نظرات آنها به طور جداگانه آورده شده است.

نظریه‌های مربوط به بعد پیامدی دینداری (بعد اعتقادی دینداری)

و بر به دنبال بررسی تأثیر اعتقادات دینی بر رفتار آدمیان بود و می‌خواست نشان دهد که یک شیوه اعتقادی معین چگونه تعیین‌کننده شیوه معین عمل است (آرون، ۱۳۸۱). هر چند آیزن معتقد است، اعتقادات و باورها تأثیر غیر مستقیم بر رفتار دارد، در واقع او معتقد است که گرایش‌ها و باورها خود تحت تأثیر شخصیت و شرایط اجتماعی زندگی افراد است به عبارت دیگر شخصیت و شرایط اجتماعی زندگی افراد بر گرایش‌ها و اعتقادات آنها تأثیر گذار است و اعتقادات و باورها از طریق تأثیر بر قصد و نیت افراد بر جهت‌گیری رفتار آدمیان تأثیر می‌گذارد بنابراین آیزن نتیجه می‌گیرد که اعتقادات و باورها تنها یکی از عوامل مؤثر بر رفتار است (Ajzen, 2005). اما و بر می‌خواست اثبات کند که اعتقادات، کنش اجتماعی را از طریق هدایت علایق مردم به جهات قطعی، مقید می‌کند (ترنر و بیگلی، ۱۳۸۴). او علاقمند به اثبات آن ضمانت‌های اجرایی که ریشه در اعتقادات مذهبی داشت بود (ترنر و بیگلی، ۱۳۸۴) او معتقد بود از طریق این ضمانت‌های درونی و رفتار مبتنی بر عادت‌ها که آنها ایجاد می‌کنند، نوع خاصی از شخصیت به وجود می‌آید که سازمان‌های دینی با تثبیت و حفظ این نوع شخصیت آن را به صورت الگوهای رفتاری در می‌آورند که این الگوها ممکن است، از نظر دینی جهت‌دار باشند؛ اما به نتایج اقتصادی پیش‌بینی نشده‌ای منجر می‌شوند (تامسون، ۱۳۸۱). او همچنین تأکید می‌کند که در برخی از آموزه‌های مذهبی کمک مالی و یاری دادن به دیگران هنگام تنگدستی و پریشانی وظیفه دینداران محسوب می‌

با تلفیق دیدگاه‌های مطرح شده از سوی اندیشمندان درباره اعتقادات دینی می‌توان گفت:

افراد جامعه برای رسیدن به اهداف گروهی باید کنش‌های فردیشان را با یکدیگر پیوند دهند و اعتقادات دینی مشترک همان شیرازه نیرومندی است که به واسطه دید مشترکی که از جهان به افراد اعطا می‌کند، آنها را یکپارچه‌تر و هماهنگ‌تر می‌کند و باعث همبستگی گروهی بین آنان می‌شود که بنابر این رسیدن به اهداف مشترک را برای آنها تسهیل می‌کند. اعتقادات دینی ضمناً نوعی اقتدار به همراه دارد که به واسطه آن یک سیستم کنترل درونی در افراد ایجاد می‌کند و نوعی روح همگانی را در کالبد جامعه می‌دمد که باعث می‌شود، افراد جامعه احساس مسئولیت بیشتری نسبت به اعضای دیگر داشته باشند همچنین این کنترل درونی یک نیروی بازدارندگی نسبت به برخی اعمال (نظیر جرم و انحرافات اجتماعی) در افراد ایجاد می‌کند و آنها را وادار به احترام به حقوق دیگران طی روابط و مناسبات اجتماعی شان خواهد کرد. به طوری که ملاحظه می‌شود، اعتقادات دینی باعث انسجام و همبستگی گروهی، احساس مسئولیت اجتماعی و همچنین بازدارندگی از اعمال خلاف می‌شود (که بر اساس ادبیات سرمایه اجتماعی) همگی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی است و ضمناً این اعتقادات دینی دسترسی به اهداف مشترک را تسهیل می‌کند که در واقع یکی از ویژگی‌های سرمایه اجتماعی است. بنابراین اعتقادات دینی می‌تواند به عنوان سرمایه اجتماعی عمل کند. پس می‌توان نتیجه گرفت:

فرضیه: اعتقاد به باورهای دینی در سرمایه اجتماعی تأثیر دارد.

اجتماعی در جامعه می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت:

فرضیه: شدت گرایش به رفتارهای مبتنی بر اصول دین (بعد پیامدی دینداری) بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد.

نظریه‌های مربوط به بعد عاطفی دینداری

وبر معتقد است آموزه‌های مذهبی به انسانها اینطور القا می‌کند که بی‌عدالتی‌های آشکار جهان ظاهری‌اند و بدین ترتیب دین می‌تواند خصلت بظاهر خود سرانۀ جهان را معنی‌دار و سامانمند جلوه دهد و در واقع توجیه خوشبختی و بدبختی را برای آدمیان فراهم می‌کند (همیلتون، ۱۳۷۷). به زعم مالیونوفسکی دین ریشه در فشارها و تنش‌های عاطفی دارد و در مشکلات به کمک انسان‌ها می‌آید و احساس آرامش را برای آنها به ارمغان می‌آورد (همیلتون، ۱۳۷۷).

گیریتس نیز معتقد است، دین از طریق معنا‌دار نمودن و قابل تحمل کردن رنج بشر و نوید غلبۀ نهایی عدالت در جهان به انسان، باعث ایجاد آرامش روحی و احساس خوشبختی در افراد می‌شود (ویلیم، ۱۳۷۷).

برگر نیز اعتقاد دارد، انسان همیشه بیم و وحشتی از بی‌معنا شدن زندگی دارد بنابراین تمایل به نظام معانی که به لحاظ اجتماعی، هدفدار است پیدا می‌کند که دین یکی از مؤثرترین ابزارها برای ایجاد این نظام است (توسلی، ۱۳۸۰) که کارش برداشت سامانمند و معنی‌دار از واقعیت است.

در دیدگاه آدی نیز دین از طریق معنا بخشیدن به تجربه‌های ناراحت‌کننده و پاسخ به مسائلی چون مرگ و

شود (وبر، ۱۳۸۵) به زعم وی نه آموزه اخلاقی یک مذهب، بلکه سلوک اخلاقی ناشی از آن است که دارای فواید زیادی برای جامعه است (وبر، ۱۳۸۵).

دیویس نیز بر تأثیر دینداری بر رفتار افراد جامعه تأکید کرده است. او بیان می‌دارد که دینداری عزم افراد را به رعایت هنجارهای گروهی تقویت می‌کند و بدین وسیله یگانگی افراد جامعه را با اعضای دیگر تقویت می‌کند (همیلتون، ۱۳۷۷) بینگر هم به نقشی که دین بر رفتار انسان دارد، پرداخته است و آنقدر آن را حائز اهمیت می‌داند که می‌گوید تنها زمانی می‌توان از یک دین صحبت کرد که شخص آموزه‌ها و عملکردهای یک گروه اجتماعی را پذیرفته و به آنها عمل کند (همیلتون، ۱۳۷۷).

با تلفیق نظرات مطرح شده می‌توان گفت:

اعتقادات دینی و آموزه‌های دینی، از طریق ضمانت‌های اجرایی که درون آنها وجود دارد، هر چند غیر مستقیم؛ ولی کنش اجتماعی را هدایت می‌کند و به رفتار انسانها جهت می‌دهد این ضمانت‌های اجرایی رفتار مبتنی بر عادت‌ها را در افراد ایجاد می‌کند که بر اثر آن نوع خاصی از شخصیت شکل می‌گیرد به طوری که افراد عموماً بعد از پذیرفتن آموزه‌های دینی سعی می‌کنند براساس تعلیمات آن عمل کنند و از آنجایی که بیشتر آموزه‌های دینی بر مبنای احترام به حقوق دیگران، همیاری با افراد جامعه، معاشرت‌های سالم با همکیشان، ایجاد اعتماد در دیگران و دیگر ارزش‌های اخلاقی نیک و مثبتی است که دینداران به آن توصیه می‌شوند، در صورتی که دینداران بدین شکل عمل کنند، در واقع دست به اعمالی می‌زنند که باعث بالا رفتن سرمایه

خلاصه‌پی‌ریزی یک طرح ساماندهی از زندگی همه از مواردی است که باعث ایجاد سرمایه اجتماعی در جامعه می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت.

فرضیه: شدت احساسات و عواطف دینی (بعد عاطفی دینداری) بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد.

نظریه‌های مربوط به بعد مناسکی دینداری

پارتو معتقد است، تمامی ادیان واجد مناسک و اعمالی هستند. این اعمال در نظر وی نوعی ابراز است که فرد را وامی‌دارد تا یکپارچگی خود را با دیگر اعضای جامعه تثبیت یا ترمیم کند (آرون، ۱۳۸۱). مالینوفسکی معتقد است کسی که به مناسک عمل می‌کند، بر اثر تخلیه عاطفی آرامش بیشتری احساس کرده و وظایفش در جامعه را به گونه مؤثرتری انجام می‌دهد. او همچنین معتقد است که مناسک نیرومندترین وسیله یکپارچگی دوباره برای گروهی است که همبستگی‌اش متزلزل شده و بهترین شیوه ترمیم روحیه تضعیف شده گروه به شمار می‌آید (همیلتون، ۱۳۷۷) به نظر دیویس، مناسک جمعی دلبستگی افراد را به هدفهای گروهی تشدید می‌کند و یگانگی افراد جامعه را با اعضای دیگر تقویت می‌کند (همان). دورکیم درباره مناسک، نظریه‌ای تکامل یافته دارد در نظر او همه مناسک این کارکرد اجتماعی عمده را دارند که همان حفظ جماعت، تر و تازه نگه داشتن حس تعلق به گروه است (آرون، ۱۳۸۱). دیگر آنکه وی معتقد است این مناسک و ماهیت چنین گردهمایی‌هایی است که این همه شور و شوق بر می‌انگیزانند و شرکت کنندگان را به اهمیت گروه و جامعه آگاه می‌سازد و علاوه بر حفظ انسجام گروهی، وضعیت خوشایندی را

رنج، بدبختیها و ناکامی‌ها را بی‌اهمیت جلوه داده و برای انسان حمایت و تسلی به بار می‌آورد (همیلتون، ۱۳۷۷).

با تلفیق نظریات مطرح شده می‌توان گفت:

همیشه اهدافی وجود دارند که به علت بی‌عدالتی‌های موجود در جامعه برای همه دست یافتنی نیستند که این موضوع باعث سرخوردگی و ناامیدی آنها می‌شود، همچنین زندگی در جوامع امروزی به علت فشارها و تنش‌های ناشی از پیشرفت تکنولوژی و رشد فردگرایی مفرط (در بعضی جوامع) در افراد احساس تنهایی شدیدی را ایجاد می‌کند. از سویی دیگر زندگی انسانی با بی‌اطمینانی و اضطرابها و ابهام‌هایی همراه است. یکی از این اضطرابها، ترس از مرگ و احساس فقدان و بنابراین رسیدن به احساس پوچی و ناامیدی است؛ اما آموزه‌های دینی به افراد این طور القا می‌کند که بی‌عدالتی‌ها ظاهری‌اند و با اینکه اهداف دنیوی برای همه دست یافتنی نیست با این حال دین اهداف برتری ایجاد می‌کند که هر کس می‌تواند به فراخور رعایت اصول دینی به آنها دست یابد. بنابراین بدبختی‌ها و ناکامی‌ها را بی‌اهمیت جلوه می‌دهد و باعث ایجاد آرامش روحی و احساس خوشبختی در افراد و رفع ناامیدی از زندگی آنان شود. از طرفی با پاسخی که به معمای مرگ می‌دهد و وعده برای زندگی در جهانی دیگر زندگی را به نظام معنادار و هدفداری تبدیل می‌کند و بدین صورت امید به زندگی در افراد افزایش یافته و راه حلی برای احساس پوچی برای آنها فراهم می‌آید. همه کارکردهای مطرح شده دین برای زندگی انسان‌ها، از جمله ایجاد آرامش روحی، احساس خوشبختی، رفع ناامیدی، رفع احساس تنهایی، هدفدار جلوه دادن زندگی و افزایش امید به زندگی و به طور

به توانمندی‌های لازم برای زندگی جمعی؛ از جمله احساس همدلی، آرامش، خوشبختی، انسجام، همبستگی، مشارکت دست می‌یابند که همگی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت:

فرضیه: میزان انجام مناسک دینی (بعد مناسکی دینداری) بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد.

از سوی دیگر برخی از اندیشمندان به بررسی تأثیراتی که دینداری به طور کلی بر سرمایه اجتماعی دارد، پرداخته‌اند؛ هر چند در اندیشه اینان نیز، معمولاً دینداری را با ابعاد پیش گفته به طور غیر محسوس می‌توان دید؛ اما از آنجا که به طور صریح از سرمایه اجتماعی یاد کرده‌اند نظراتشان به طور جداگانه مطرح می‌شود.

کلمن یکی از عوامل تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی را مذهب می‌داند. او معتقد است، ایدئولوژی مذهبی با تحمیل این خواست به فرد که به سود چیزی یا کسی غیر از خودش عمل کند، سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورد. در واقع دین می‌تواند فروبستگی شبکه‌های اجتماعی روابط را تقویت کند به طوری که روابط اجتماعی را افزایش داده و باعث افزایش سرمایه اجتماعی شود (کلمن، ۱۳۷۷).

پاتنام معتقد است که کلیساها از طریق متحد ساختن مردم، دارای ارزش و نگرشهای متفاوت، تقویت روحیه بردباری و رابطه متقابل در ایجاد سرمایه اجتماعی ایفای نقش می‌کند تحقیقات وی نشان داده است که کلیسای سیاهان منبع قدرتمند و منحصر به فرد مشارکت سیاسی و عرصه یادگیری مسائل عمومی و کسب مهارت‌های سیاسی و اجتماعی بوده است. به اعتقاد وی کلیسای سیاه

برای افراد به ارمغان می‌آورد (همیلتون، ۱۳۷۷). به زعم دورکیم افراد در غلیان ناشی از مناسک مذهبی نوعی همدلی با هم پیدا می‌کنند؛ زیرا طی اجرای مناسک دینی اعمال و کردارهای همانند انجام می‌دهند و بنابراین با هم احساس نزدیکی می‌کنند. دیگر آن که چنین مناسکی یک فعالیت جمعی است که هر فردی را از خود بیخود می‌کند و باعث می‌شود که فرد جزئی از نیروی گروه شود و این نیروی جمعی خارق العاده احساسی در فرد ایجاد می‌کند که فرد خود را نیرومندتر از گذشته می‌بیند (آرون، ۱۳۸۱).

بر پایه نظراتی که پیش از این آمد، می‌توان گفت: انجام مناسک مذهبی فعالیت جمعی است که فرد را از خود بیخود می‌کند و باعث می‌شود، فرد جزئی از نیروی گروه شود این نیروی جمعی خارق العاده احساسی در افراد ایجاد می‌کند که افراد خود را نیرومندتر از گذشته می‌بینند. دیگر آن که طی انجام مراسم شرکت کنندگان از اهمیت گروه و جامعه آگاه می‌شوند و حساسیت بیشتری نسبت به مسائل جامعه پیدا می‌کنند. در واقع مناسک دینی نوعی آگاهی بخشی برای کلیه افراد شرکت کننده به همراه دارد. کارکرد دیگر مناسک دینی این است که در اثر معاشرت افراد با یکدیگر و بالا رفتن کنش متقابل میان آنان و شکل‌گیری شبکه‌های روابط و به تبع آن احساس همدلی که در آنان شکل می‌گیرد، میل به مشارکت در آنان افزایش می‌یابد به طوری که افراد دیندار با مشارکت یکدیگر به امور خیریه و کمک و یاری به دیگران می‌پردازند و بنابراین قدرت بیشتری برای حل مشکلات پیدا خواهند کرد. در واقع می‌توان گفت مناسک دینی نوعی کنش جمعی است که طی آن افراد

دارند. ثانیاً سازمان‌های مذهبی گردهمایی‌هایی تشکیل می‌دهند و به وسیله آن فعالیتهای خیریه و مذهبی انجام می‌شود که تأثیر مثبت بر سرمایه اجتماعی دارند (worms, 2004). افه و فوش نیز در این رابطه معتقدند در حین اجرای مناسک اجتماعی شبکه روابط اجتماعی گسترش می‌یابد و از آنجائی که افراد دیندارتر همکاری و همیاری بیشتری را با یکدیگر دارند، بنابراین این روابط باعث ایجاد و افزایش سرمایه اجتماعی خواهد شد (Offe and Fuchs, 2002).

پریس و آکسین معتقدند سازمان‌های مذهبی با تشویق افراد جامعه به داشتن روابط خوب و توأم با اعتماد با اعضای خانواده و دیگر اعضای جامعه و بر شمردن مزایای اینگونه روابط آن را امری قابل تحسین می‌دانند. همچنین حضور در مناسک مذهبی کنش متقابل افراد را بیشتر می‌کند و باعث شکل‌گیری روابط پایدار و مثبت بین آنها می‌شود. در واقع مذهب این پتانسیل را دارد تا با ایجاد فروبستگی روابط اجتماعی افراد جامعه دوستان، نزدیکان، اعضای خانواده و بالاخره همه افراد جامعه را در یک گروه همانند گرد آورد و باعث اتحاد و همبستگی بین آنها شود (Pearce and Axinn, 1998). به اعتقاد جانسون و جانگ نیز دینداران صداقت و اعتماد بیشتری در روابطشان با دیگران دارند و تشکیلات مذهبی از طریق آموزه‌های دینی همه افراد جامعه را به صداقت و حفظ ارزش‌های اخلاقی تشویق می‌کنند (Johnson and Jang, 2004).

به زعم کاندلند دین از طریق ایجاد شبکه‌های اجتماعی و خانوادگی و تشویق ارتباط با سایر هموعان و وظیفه‌شناسی، احترام نسبت به دیگران، صداقت و اعمال هنجارهای همبستگی می‌تواند منبع مهمی در جهت خلق

پوستان سخاوتمندترین خزانه سرمایه اجتماعی آنها است (پاتنام، ۱۳۸۴). به نظر وی اجتماعات مذهبی و مؤسسات مذهبی آموزش‌های مهمی را در مهارت‌های شهری، هنجارها، گرایش‌های اجتماعی، فراهم می‌آورد (putnam, 2002). فوکویاما نیز در تقسیم‌بندی منابع سرمایه اجتماعی آن را به دو دسته بیرونی و درونی تقسیم کرده است و یکی از منابع بیرونی را دین می‌داند. او معتقد است دین یکی از سرچشمه‌های سرمایه اجتماعی است (فوکویاما، ۱۳۷۹). در دیدگاه او ادیان و مذاهب با ترویج اندیشه‌هایی نظیر مشارکت، صداقت، اعتماد، ایثار، موجب افزایش سرمایه اجتماعی می‌شوند. اما به اعتقاد وی تنها ادیانی می‌توانند در این زمینه موفقیت به دست آورند که علاوه بر ایجاد اعتماد داخلی، زمینه برقراری روابط مؤثر و مفید را با دیگر گروه‌های مذهبی متفاوت ایجاد کنند (Fukuyama, 1999).

آسلینر معتقد است، ارزشها و اعتقادات دینی با گسترش حس مشترک بین طرفداران خود موجب همکاری و مشارکت اجتماعی بین دینداران خواهد شد. میلوفسکی خلق تارهای همبستگی را نتیجه سازمان‌های مذهبی می‌داند. او معتقد است شبکه‌های اجتماعی مذهبی به طور ویژه بر سرمایه اجتماعی و مشارکت داوطلبانه تأثیر دارد. یانگ پس از طرح نظرات آسلینر و میلوفسکی نتیجه می‌گیرد که تمامی مذاهب به پیروان خود می‌آموزند که انسان‌های دیگر را دوست بدارند و بنابراین باعث شکل‌گیری سرمایه اجتماعی خواهند شد (yeung, 2004). ورم بر این اعتقاد است که دینداری به دو طریق بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد: اول آنکه افراد دیندار حساسیت بیشتری نسبت به امور اجتماعی و کمک کردن به دیگران

سرمایه اجتماعی و حفظ آن باشد (Candland, 2001). برخی معتقدند از آنجا که تشکیلات دینی نیز به حمایت‌های فعالانه مالی و عاطفی از دینداران می‌پردازند و شبکه‌های اجتماعی را خلق می‌کند، بدین وسیله تأثیر مثبتی بر افزایش سرمایه اجتماعی بین پیروان خود خواهند داشت (Vonnegut and updike and wakefield, 1996).

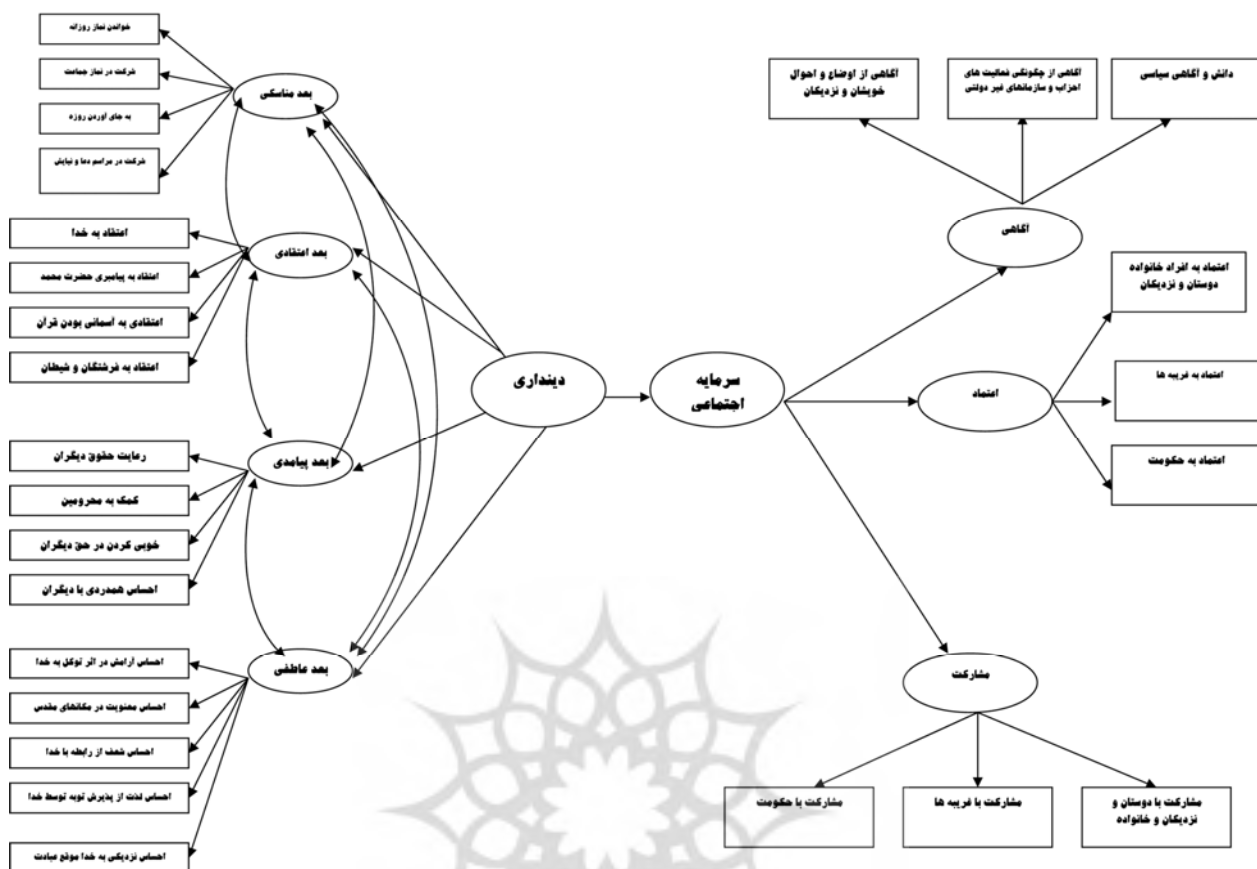
سابتی معتقد است، بخش بزرگی از فعالیتهای داوطلبانه با جنبش‌های اجتماعی ملهم از تعالیم کلیسای کاتولیک پیوند عمیق دارد و بدین ترتیب نقش مؤثر در خلق و حفظ سرمایه اجتماعی دارد (کیان تاجبخش؛ ۱۳۸۴). ایوانز نیز بر نقش مناسک دینی در بهبود کنش‌های متقابل افراد در پیوند و اعتماد آنها به یکدیگر تأکید می‌کند و معتقد است که رفتار دینی با سایر مؤمنان، دوستان و اعضای خانواده می‌تواند گامی در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی تلقی شود (ایوانز، ۱۳۸۰).

با تلفیق دیدگاههای مطرح شده می‌توان گفت: افراد دیندار به دلیل آگاه شدن از مسائل اجتماعی حین اجرای مراسم مذهبی و تشویق آموزه‌های مذهبی مبتنی بر با خبر بودن افراد از یکدیگر خصوصاً آشنایان و اقوام حساسیت بیشتری نسبت به کمک کردن به دیگران و امور اجتماعی دارند. از سوی دیگر ادیان با ترویج ارزشهایی نظیر صداقت، اعتماد، ایثار، وظیفه‌شناسی، توجه به منافع

دیگران و تشویق به داشتن ویژگی‌های اخلاقی چون تساهل و مدارا، مردم‌داری ارزش‌ها و نگرش‌های متفاوت را با یکدیگر متحد می‌سازند همچنین حضور در مناسک مذهبی نیز شبکه‌های روابط اجتماعی را خلق می‌کند و آنها را گسترش می‌دهد و با ایجاد فروبستگی روابط اجتماعی افراد جامعه، دوستان، نزدیکان، آشنایان و اعضای خانواده و همه افراد جامعه را در یک گروه همانند گرد می‌آورد و باعث همبستگی میان آنان می‌شود. از سوی دیگر دینداران سعی می‌کنند با یاری و همکاری یکدیگر برای رسیدن به اهداف جمعی خود مشارکت داشته باشند. بنابراین دین با آگاهی بخشی از وضعیت اجتماعی و خانوادگی به دینداران و تشویق آنان به رعایت ارزش‌های اخلاقی چون اعتماد، صداقت و شکل‌دهی شبکه‌های روابط اجتماعی و بنابراین ترویج مشارکت میان آنان منبع مهمی در خلق و حفظ سرمایه اجتماعی می‌باشد و بنابراین می‌توان نتیجه گرفت:

فرضیه: میزان دینداری افراد بر سرمایه اجتماعی آنها تأثیر دارد.

با توجه به مباحث مطرح شده و بر مبنای نظریه‌های ارائه شده از سوی اندیشمندان مختلف به مدل نظری (مدل‌های ساختاری و اندازه‌گیری) دست یافته ایم که در ادامه آورده شده است.



شکل (۱): مدل نظری (مدل‌های ساختاری و اندازه‌گیری)

روش تحقیق

بر اساس متغیرهای جنس، گروه سنی و منطقه محل زندگی

روش تحقیق مبتنی بر روش پیمایش بوده است. به

شاخص‌سازی متغیرها

شاخص‌سازی دینداری

تعریف عملیاتی دینداری بر اساس مدل گلاک^۱ است.

به عقیده وی علی‌رغم اینکه تفاوت‌هایی در ادیان مختلف

وجود دارد؛ اما وجوه مشترکی بین آنها می‌توان یافت.

لحاظ معیار زمان این تحقیق از نوع مقطعی و به لحاظ

معیار ژرفایی، پژوهش از نوع پهنانگر است، واحد تحلیل

فرد و سطح تحلیل خرد است. جامعه آماری پژوهش کلیه

شهروندان بالای ۱۵ سال شهر اصفهان اند که برابر با

۸۵۰۷۶۳ نفر بوده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول

کوکران برای سطح اطمینان ۹۵٪ و حداکثر پراکندگی

۳۸۴ نفر برآورد شده است. شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای

۱- علامه محمد تقی جعفری (ره) در ارزیابی مدل گلاک یادآور شده‌اند

که این مدل یکی از عالی‌ترین تقسیم‌بندی‌ها در زمینه دین است که

می‌توان آن را به تمام ادیان تعمیم داد (ولیم، ۱۳۷۷).

این عرصه‌ها ابعاد اصلی دینداری را تشکیل می‌دهند و عبارتند از ابعاد اعتقادی، مناسکی، پیامدی، عاطفی. در پژوهش انجام شده سعی شده است که برای سنجش دینداری، مدل یاد شده مورد استفاده قرار گیرد و بدین منظور ابعاد این مدل با دین اسلام تطبیق داده شده است.

جدول ۱- ابعاد دینداری و شاخص‌های آن

ابعاد اصلی دینداری و تعاریف آن	شاخصها
بعد پیامدی (اجرای اصول و فرامین دینی)	- رعایت حقوق دیگران - کمک به محرومین، خوبی کردن در حق دیگران و احساس همدردی با دیگران
بعد اعتقادی (اعتقادات و نگرشهای پیروان یک دین)	- اعتقاد به خدا و اعتقاد به فرشتگان و شیطان و اعتقاد به روز قیامت و اعتقاد به پیامبری حضرت محمد - اعتقاد به آسمانی بودن قرآن و حقیقت آن
بعد عاطفی (تجربیات معنوی و احساسات در ارتباط با خدا)	- احساس آرامش کردن موقع توکل به خدا - احساس معنویت در مکانهای مقدس - احساس شغف از ارتباط با خدا - احساس لذت از پذیرش توبه توسط خداوند - احساس نزدیکی به خدا موقع عبادت
بعد مناسکی (اعمالی که پیروان یک دین در چهارچوب زندگی دینی انجام می‌دهند)	- ادای نماز روزانه - شرکت در نماز جماعت - قرائت قرآن - روزه داری - شرکت در عبادات جمعی چون دعا و نیایش

شاخص سازی سرمایه اجتماعی

سطح کلان می‌توان به کمیت و کیفیت روابط عمودی افراد جامعه با نهادهای دولتی و به طور کلی با حکومت پرداخت. سرمایه اجتماعی در بعد ذهنی ارزش‌هایی چون اعتماد و آگاهی را در بر می‌گیرد و بعد عینی مشارکت افراد در روابط افقی و عمودی را شامل می‌شود. با توجه به سطوح و ابعاد یاد شده می‌توان از دو گونه سرمایه اجتماعی درون گروهی (که در میان خانواده، دوستان نزدیک و آشنایان ایجاد می‌شود) و سرمایه اجتماعی برون گروهی یاد کرد که می‌توان سرمایه اجتماعی برون گروهی را دارای دو شق سرمایه اجتماعی شکل گرفته ما

برای عملیاتی کردن سرمایه اجتماعی از بین شاخصهای متعدد، شاخصهای آگاهی، اعتماد و مشارکت انتخاب شده است.

این شاخصها در سه سطح خرد، میانه و کلان و در دو بعد ذهنی و عینی عملیاتی شده‌اند. در سطح خرد منافی مدنظر است که فرد به سبب عضویت در شبکه روابط خانواده و دوستان و نزدیکان به دست می‌آورد. سطح میانه به ارتباط فرد با دیگر شهروندان که نمی‌شناسند (غریبه‌ها) اشاره دارد که در صورت تکرار و پایبندی اعضا به تعهدات متقابل منافی را به کل جامعه می‌رساند. در

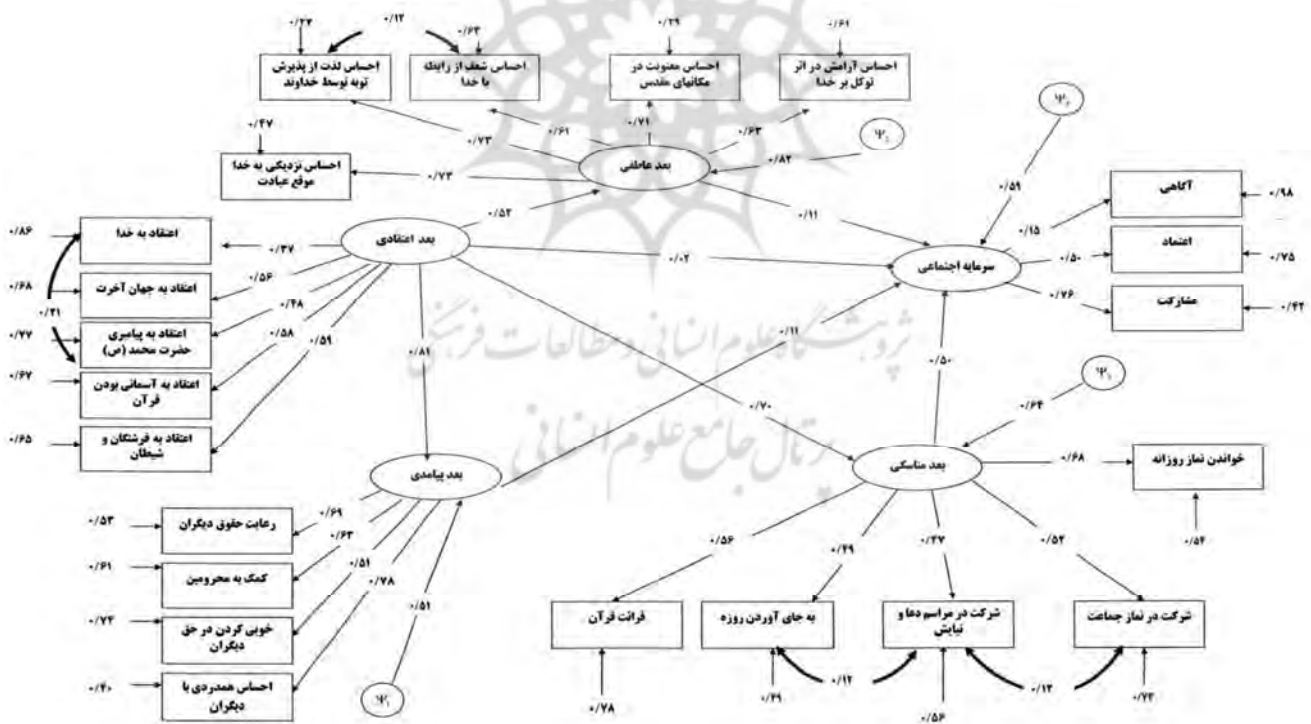
تحقیق استخراج شدند. با مرور و بازبینی آنها و سرانجام با مطالعه مقدماتی برخی پرسش‌ها حذف و اصلاح شدند و به نحوی که سؤالات باقی مانده پاسخگوی فرضیه‌های مطرح شده در تحقیق حاضر باشند. بنابر این تا حدود زیادی از اعتبار نمونه‌ای پرسشنامه اطمینان حاصل شده است. همچنین این پرسشنامه برای نظر خواهی در اختیار صاحب‌نظران و محققان مختلف قرار داده شد و با اعمال نمودن نظر آنها و جرح و تعدیل در برخی گویه‌ها از اعتبار صوری پرسشنامه نیز اطمینان حاصل شد. بنابراین پرسشنامه به طور کلی دارای اعتبار محتوایی است که نشان دهنده آن است که دقیقاً همان چیزی را خواهد سنجید که مد نظر پژوهشگران است.

بین افراد جامعه یا غریبه‌ها و سرمایه اجتماعی موجود در روابط افراد جامعه با حاکمیت سیاسی (حکومت) دانست.

اعتبار پرسشنامه

در این مطالعه برای اطمینان از اعتبار پرسشنامه از اعتبار محتوایی استفاده شده است.

اعتبار محتوایی شامل دو بخش است: اول اعتبار نمونه، دوم اعتبار صوری برای اطمینان از اینکه پرسشنامه دارای اعتبار نمونه‌ای است، پس از مطالعه و فیش برداری از مقالات و کتاب‌های مختلف فیش‌ها بارویکرد طرح سؤال مرور و بازبینی شدند و سؤالات مختلفی طرح شدند و این سؤالات در کنار سؤالاتی قرار گرفتند که از پرسشنامه‌های اعتبار یابی شده در ارتباط با موضوعات مطرح شده در



شکل (۲) مدل ساختاری و مدل های اندازه گیری تدوین شده بر مبنای چارچوب نظری

Chi-square= 21 /356 Normed chi-square= 82/1 df=196 Pvalue= 0

RMSEA= 046/0 GFI= 92/0

AGFI= 90/0

جدول ۲- ابعاد و سطوح سرمایه اجتماعی و تعریف عملیاتی آن

تعریف عملیاتی	سطوح	شاخصها	ابعاد سرمایه اجتماعی
میزان مطلع بودن و آگاه بودن فرد و نزدیکانش (اقوام، دوستان و همسایه‌ها) از یکدیگر	خرد	آگاهی	بعد ذهنی (شناختی)
میزان آگاهی (اطلاعات) فرد از چگونگی فعالیت سازمانهای غیر دولتی و احزاب	میانه		
آگاهی‌های سیاسی فرد (از جمله آگاهی از مرجع حل اختلاف شورای نگهبان و مجلس یا مرجع نظارت بر انتخابات)	کلان		
میزان اعتماد فرد به آشنایان (اعضای خانواده، اقوام، دوستان...)	خرد	اعتماد	
میزان اعتماد فرد به غریبه‌ها	میانه		
میزان اعتماد فرد به نهادهای دولتی و حکومتی (از جمله صدا و سیما، بانک‌ها، شهرداری‌ها، دادگستری...)	کلان		
انواع مشارکت و همکاری‌های فرد با نزدیکان و اقوام و دوستان (مانند دیدار با دوستان و اقوام، شرکت در مراسم جشن و ترحیم آنها)	خرد	مشارکت غیر رسمی	بعد رفتاری
مشارکت و همکاری فرد با دیگران و اجتماعی که در آن زندگی می‌کند که در قالب کمک به محرومین و همکاری در انجمنهای خیریه و هیأت‌های مذهبی خود را نشان می‌دهد.	میانه		
به مشارکت داوطلبانه غیر رسمی افراد با نهادهای حکومتی و نظام سیاسی اشاره دارد (بطور مثال همکاری داوطلبانه با پلیس، تلاش برای حفظ نظافت و صرفه جویی در مصرف گاز)	کلان		
مشارکت فرد با نزدیکان در قالب شرکت رسمی در جلسات مهم تصمیم‌گیری و عضویت در قرض‌الحسنه‌های فامیلی و ... که دستیابی اهداف جمعی شان را تسهیل می‌کند.	خرد		
مشارکت فرد با شهروندان دیگر که معمولاً در قالب عضویت رسمی فرد در گروه‌های مختلف مانند احزاب تشکلیها و سازمانهای غیر دولتی خود را نشان می‌دهد و تابع مقررات و سلسله مراتب است.	میانه	مشارکت رسمی	
اشاره به فعالیتهایی که در ارتباط با فضای سیاسی، حکومتی است دارد که به شکل قانونی و رسمی انجام می‌شود. (بطور مثال شرکت در انتخابات، پرداخت مالیات و عوارض)	کلان		

قابلیت اعتماد پرسشنامه

جدول ۳- محاسبه ضریب قابلیت اعتماد برای ابعاد فرعی دینداری و سرمایه اجتماعی

ایجاد فرعی پرسشنامه	بعد پیامدی دینداری	بعد اعتقادی دینداری	بعد عاطفی دینداری	بعد مناسکی دینداری	آگاهی	اعتماد	مشارکت
ضریب قابلیت اعتماد	آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ	اسپیرمن براون	آلفای کرونباخ	اسپیرمن براون
مقدار ضریب	۰/۷	۰/۹	۰/۸	۰/۷	۰/۶	۰/۸	۰/۷

به طوری که در جدول فوق مشاهده می‌شود کلیه ابعاد فرعی پرسشنامه حاضر پایایی لازم را دارا هستند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

جدول ۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گروههای سنی، وضعیت تأهل و جنسیت (تعداد نمونه مورد مطالعه ۳۸۴ نفر)

گروههای سنی	زن		مرد	
	متاهل	مجرد	متاهل	مجرد
۱۵-۱۹ سال	٪۱	٪۷/۸	٪۰/۲	٪۹/۱
۲۰-۲۴ ساله	٪۳/۳	٪۴/۲	٪۱/۱	٪۷/۳
۲۵-۲۹ ساله	٪۴/۴	٪۱/۴	٪۱/۲	٪۲/۱
۳۰-۳۴ ساله	٪۶/۳	٪۰/۳	٪۳/۹	٪۱/۳
۳۵-۳۹ ساله	٪۴/۹	٪۰/۳	٪۴/۶	٪۰/۳
۴۰-۴۴ ساله	٪۲/۶	٪۰/۳	٪۴/۲	٪۰
۴۵-۴۹ ساله	٪۵	٪۰/۳	٪۵/۱	٪۰/۲
۵۰-۵۴ ساله	٪۰/۲	٪۰	٪۳/۹	٪۰
۵۵-۵۹ ساله	٪۳	٪۰	٪۴	٪۰/۲
۶۰-۶۴ ساله	٪۰/۹	٪۰	٪۰/۴	٪۰/۱
۶۵-۶۹ ساله	٪۳/۲	٪۰	٪۰/۲	٪۰
۷۰ سال به بالا	٪۰/۱	٪۰	٪۰/۱	٪۰
جمع	٪۳۴/۹	٪۱۴/۶	٪۲۹/۹	٪۲۰/۶

۱- وضعیت تأهل ۴/۹ درصد از پاسخگویان بی همسر در اثر فوت بوده است که به دلیل پایین بودن میزان آن، متاهل محسوب شده‌اند

نظر سنی بیشترین فراوانی در گروه سنی ۱۵-۱۹ سال بوده‌اند و کمترین فراوانی در گروه سنی ۷۰ سال به بالا قرار داشته‌اند.

به طوریکه در جدول فوق مشاهده می‌شود، نتایج نشان می‌دهد که ۵۰/۵ درصد پاسخگویان را مردان و ۴۹/۵ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. از تعداد کل نمونه آماری ۶۴/۸ درصد متاهل و ۳۵/۲ درصد مجرد هستند. از

جدول ۵- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سطوح دینداری

سطوح دینداری	فراوانی	درصد
ضعیف	۹	۲/۳
متوسط	۱۸۳	۴۷/۷
بالا	۱۹۲	۵/۰
جمع	۳۸۴	۱۰۰

بر اساس پردازش داده‌ها سطوح دینداری پاسخگویان ۹ نفر برابر با ۲/۳ درصد ضعیف، ۱۸۳ نفر برابر با ۴۷/۷ درصد متوسط و ۱۹۲ نفر برابر با ۵۵ درصد بالا می‌باشد.

جدول ۶- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سطوح سرمایه اجتماعی

سطوح دینداری	فراوانی	درصد
ضعیف	۱۸	۴/۷
متوسط	۱۶۸	۴۳/۸
بالا	۱۹۸	۵۱/۶
جمع	۳۸۴	۱۰۰

تجزیه و تحلیل دو متغیره داده‌ها

فرضیه‌های آماری^۱ برای هر کدام از فرضیه‌های فرعی بصورت روبه‌رو $H_1: p > 0$ $H_0: p = 0$ نوشته می‌شود.

در فرضیه صفر، فرض ما این است که هیچ‌گونه همبستگی بین متغیر مستقل و وابسته وجود ندارد و بنابراین این متغیر مستقل هیچ تأثیری بر متغیر وابسته ندارد و فرضیه مقابل بیانگر تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته است.

بر اساس نتایج به دست آمده، سطوح سرمایه اجتماعی پاسخگویان ۱۸ نفر برابر با ۴/۷ درصد در سطح ضعیف، ۱۶۸ نفر برابر با ۴۳/۸ درصد متوسط و ۱۹۸ نفر برابر با ۵۱/۶ درصد در سطح بالا هستند.

یافته‌های استنباطی

در ادامه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح استنباطی از روش‌های آماری دو متغیره و چند متغیره استفاده شده است. در تحلیل آماری دو متغیره به آزمون فرضیه‌ها با استفاده از ضریب همبستگی و ضریب تأثیر پرداخته شده است.

۱- به دلیل مشابه بودن فرضیه‌های آماری جهت اختصار در نوشتار از ذکر فرضیه‌های آماری برای تک تک فرضیه‌ها خودداری شده است.

الف) آزمون فرضیه‌های فرعی

جدول ۷- آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون فرضیه‌های فرعی

متغیر وابسته	متغیر مستقل	میزان سرمایه اجتماعی
ضریب همبستگی پیرسون	باورها و اعتقادات دینی (بعد اعتقادی دینداری)	۰/۳۱
ضریب تأثیر		۰/۰۹
سطح معناداری		۰/۰۰۰
حجم نمونه		۳۸۴
ضریب همبستگی پیرسون	شدت گرایش به رفتارهای مبتنی بر اصول دین (بعد پیامدی دینداری)	۰/۲۶
ضریب تأثیر		۰/۰۶
سطح معناداری		۰/۰۰۰
حجم نمونه		۳۸۴
ضریب همبستگی پیرسون	شدت احساسات و عواطف دینی (بعد عاطفی دینداری)	۰/۲۴
ضریب تأثیر		۰/۰۵
سطح معناداری		۰/۰۰۰
حجم نمونه		۳۸۴
ضریب همبستگی پیرسون	انجام مناسک دینی (بعد مناسک دینداری)	۰/۲۹
ضریب تأثیر		۰/۰۸
سطح معناداری		۰/۰۰۰
حجم نمونه		۳۸۴

با توجه به نتایج به دست آمده، سطح معناداری برای اعتقادی دینداری بر سرمایه اجتماعی رد می‌شود و فرضیه بعد اعتقادی دینداری کمتر از ۰/۰۵ و معادل صفر است. به عبارت دیگر ضریب همبستگی به دست آمده با صفر تفاوت معنا دار دارد و این تفاوت ناشی از تأثیر واقعی بعد اعتقادی دینداری به میزان ۰/۰۶ بر میزان سرمایه اجتماعی افراد است و نه ناشی از شانس؛ پس می‌توان نتیجه به دست آمده را با اطمینان حداقل ۰/۹۵ به جامعه آماری تعمیم داد. بنابر این فرض صفر مبنی بر عدم تأثیر بعد اعتقادی دینداری بر سرمایه اجتماعی رد می‌شود و فرضیه باورهای مذهبی افراد افزایش یابد؛ بر میزان سرمایه اجتماعی افراد افزوده می‌شود، با توجه به ضریب به دست آمده، می‌توان انتظار داشت که ۰/۰۶ از واریانس متغیر سرمایه اجتماعی ناشی از بعد اعتقادی دینداری باشد.

سطح معناداری برای بعد پیامدی دینداری کمتر از ۰/۰۵ و معادل صفر است. به عبارت دیگر مشاهدات این

سوی دیگر، میزان تأثیر مشاهده شده برای انجام مناسک دینی (بعد مناسکی دینداری) با میزان تأثیر بعد اعتقادی دینداری بر سرمایه اجتماعی تقریباً نزدیک بوده و تفاوت زیادی با یکدیگر ندارند.

بنابراین فرضیه صفر مبنی بر عدم تأثیر بعد عاطفی دینداری بر سرمایه اجتماعی رد می‌شود و فرضیه تحقیق به تأیید می‌رسد. از سوی دیگر فرض صفر در مورد عدم تأثیر بعد مناسکی دینداری بر سرمایه اجتماعی رد می‌شود و فرضیه تحقیق مبنی بر تأثیر بعد مناسکی بر میزان سرمایه اجتماعی افراد تأیید می‌گردد.

ب) آزمون فرضیه اصلی:

فرضیه: میزان دینداری افراد بر سرمایه اجتماعی آنها تأثیر دارد. فرضیه‌های آماری به صورت زیر نوشته می‌شود.
 $H_0: p = 0$ (در فرض صفر، فرض بر آن است که دینداری هیچ تأثیری بر سرمایه اجتماعی ندارد و در فرض مقابل فرض بر آن است که دینداری بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد).

تحقیق نشان می‌دهند که ضریب همبستگی به دست آمده با صفر تفاوت معنادار دارد و این تفاوت ناشی از تأثیر بعد پیامدی دینداری به میزان ۰/۰۹ بر میزان سرمایه اجتماعی است و نه ناشی از شانس و یا خطای نمونه‌گیری بنابراین نتایج به دست آمده در جامعه مورد مطالعه را با اطمینان حداقل ۰/۹۵ می‌توان به جامعه آماری تعمیم داد. پس فرضیه صفر مبنی بر عدم تأثیر بعد پیامدی دینداری بر سرمایه اجتماعی رد می‌شود و فرضیه تحقیق به تأیید می‌رسد. بدین معنا که هر چه بر میزان شدت گرایش به رفتارهای مبتنی بر اصول دین افزوده شود بر میزان سرمایه اجتماعی افراد افزوده می‌شود و با توجه به ضریب به دست آمده برای بعد پیامدی دینداری می‌توان انتظار داشت که ۰/۰۹ از واریانس متغیر سرمایه اجتماعی ناشی از بعد پیامدی دینداری باشد.

میزان تأثیر مشاهده شده شدت احساسات و عواطف دینی با میزان تأثیر مشاهده شده، برای بعد پیامدی دینداری (شدت گرایش به رفتارهای مبتنی بر اصول دین) تقریباً در یک حد بوده و تفاوت چندانی با هم ندارند. از

آزمون فرضیه

جدول ۸- آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون فرضیه اصلی

میزان سرمایه اجتماعی	متغیر وابسته		متغیر مستقل
	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تأثیر	
۰/۳۸۴	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تأثیر	دینداری
۰/۱۴	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	
۰/۰۰۰	ضریب همبستگی پیرسون	حجم نمونه	
۳۸۴	ضریب همبستگی پیرسون	حجم نمونه	

دیگر میزان ضریب به دست آمده با صفر تفاوت معنادار دارد و این تفاوت صرفاً ناشی از خطای نمونه‌گیری یا

همان‌گونه که در نتایج جدول مشاهده می‌شود، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و معادل صفر است. به عبارت

مدل شامل پنج مدل عاملی مرتبه اول^۵ در نقش مدل‌های اندازه‌گیری و یک مدل ساختاری شامل رابطه‌های یک سویه تعریف شده، بین متغیرهای بیرونی و درونی است (Schumaker and Iomax, 2004).

به منظور برآورد پارامترهای تدوین شده و آزمون معناداری آنها از رویکرد دو مرحله‌ای پیروی شده است. بر مبنای این رویکرد ابتدا مدل‌های اندازه‌گیری در یک مدل پنج عامل تدوین شده و برازش مدل با شاخص‌های قابل قبول تأیید شده است^۶ در مرحله دوم مجموعه روابط نظری تدوین شده بین متغیرهای بیرونی و درونی و همچنین متغیرهای مشاهده شده و عامل‌ها در یک مدل به طور همزمان برآورد و آزمون شده است. آزمون معناداری پارامترهای منفرد نشان داد که تنها ضریب گامای محاسبه شده برای مسیر بعد اعتقادی به سرمایه اجتماعی فاقد تفاوت معنادار با صفر است و سایر ضرایب محاسبه شده شامل ضرایب گاما، بتا و لامدا دارای تفاوت معنادار با مقدار صفر هستند. مسیر بعد اعتقادی به سرمایه اجتماعی به دلیل وجود مبنای نظری قابل توجه از مدل حذف نگردید تا احتمالاً تکرار مطالعه در آینده، اعتبار پارامتر برآورده شده را تأیید کند. براساس ضرایب لامدای محاسبه شده در مدل اندازه‌گیری عامل سرمایه اجتماعی، مشارکت دارای وزن بالاتری در تعریف سرمایه اجتماعی بوده و پس از آن به ترتیب اعتماد و آگاهی قرار می‌گیرند. براساس ضرایب گاما و بتای محاسبه شده، بیشترین اثرات مستقیم بر سرمایه اجتماعی به ترتیب مربوط به عامل‌های مناسکی (۰/۵۰)، پیامدی و عاطفی (هر دو با ۰/۱۱) و اعتقادی (۰/۰۲) است. در هر حال بررسی اثرات غیر مستقیم و کل استاندارد نشان می‌دهد که در مجموع می‌توان به ترتیب متغیرهای بعد اعتقادی ۰/۵۲، بعد مناسکی ۰/۵۰، بعد پیامدی با ۰/۱۶ و بعد عاطفی ۰/۱۱ را

تصادف نیست، بلکه ناشی از واقعیت وجود تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی در جامعه مورد مطالعه است و چون این تأثیر معنادار است، بنابر این می‌توان نتایج حاصل از جامعه نمونه را با ۰/۹۵ اطمینان به جامعه آماری تعمیم داد. بنابر این فرض صفر مبنی بر عدم تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی رد می‌شود و فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود. همچنین بر مبنای ضریب تأثیر به دست آمده می‌توان انتظار داشت که تا ۰/۱۴ از واریانس یا پراکندگی متغیر سرمایه اجتماعی ناشی از دینداری افراد باشد.

اما قاسمی^۱ (۱۳۸۸) تأکید کرده است، تحلیل‌های آماری دو متغیره هر چند مبنای اساسی در آزمون فرضیه‌ها و پاسخ به سوالات پژوهشی محسوب می‌شوند؛ اما به هیچ وجه نمی‌توان آنها را در چنین مسیری کافی قلمداد کرد در این زمینه تحلیل‌های آماری چند متغیره پژوهشگران را در حصول به نتایج مبتنی بر واقعیت یاری می‌رسانند. بنابراین در ادامه با استفاده از روش‌های آماری چند متغیره از مدل ساختاری و مدل‌های اندازه‌گیری از نرم افزار Lisrel استفاده شده است که نتایج به دست آمده در شکل زیر منعکس شده است.

شکل (۲)^۱ مدل ساختاری و مدل‌های اندازه‌گیری تدوین شده بر مبنای چهارچوب نظری و مقادیر استاندارد برآورد شده برای کلیه پارامترها.

مدل تدوین شده کاملاً بر مبنای چهارچوب نظری و مدل نظری طرح شده در قسمت‌های قبل قرارداد به نوعی که هر یک از پارامترهای آزاد تعریف شده در مدل دارای پیشینه نظری و در مواردی نظری و تجربی است. به عبارت دیگر رویکرد مورد نظر در مطالعه حاضر یک رویکرد تأییدی^۲ است تا رویکرد مدل‌های جایگزین^۳ یا اکتشافی^۴.

۱- قاسمی، وحید (۱۳۸۸) در ترجمه مقدمه ای بر مدل سازی معادله ساختاری از شوماخرو لومکس

- 2 . Confirmatory Approach
- 3 . Alternative Model Approach
- 4 . Explanatory Approach

5. First-order factor Model

۶. خروجی این قسمت با هدف خلاصه کردن مطالب ارائه شده است.

دیگر داده‌های تجربی گردآوری شده، مدل نظری تدوین شده را تا حد زیادی حمایت می‌کند.

هر چند با توجه به اینکه حدود ۹۰٪ از ماتریس واریانس - کوواریانس نمونه‌ای (S) توسط ماتریس باز تولید شده واریانس - کوواریانس بر مبنای پارامترهای برآورده شد، (I) قابل تبیین است، می‌توان انتظار داشت که با حذف یا افزودن برخی از مسیرها برازش بهتری حاصل شود که به دلیل فقدان مبنای نظری لازم برای مسیرهای پیشنهادی (براساس شاخص‌های اصلاح) از این موضوع صرف نظر شد.

با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان گفت: فرضیه اول مبنی بر تأثیر بعد اعتقادی یا اعتقاد به باورهای دینی بر سرمایه اجتماعی تأیید می‌شود. فرضیه دوم مبنی بر تأثیر شدت گرایش بر رفتارهای مبتنی بر اصول دین بر سرمایه اجتماعی تأیید شد. فرضیه سوم مبنی بر تأثیر شدت احساسات و عواطف دینی بر سرمایه اجتماعی تأیید شد. فرضیه چهارم مبنی بر تأثیر میزان انجام مناسک دینی بر سرمایه اجتماعی تأیید شد. فرضیه پنجم مبنی بر وجود تأثیر دینداری افراد بر میزان سرمایه اجتماعی تأیید شد.

نتیجه گیری

هدف از مقاله حاضر تبیین نظری و تجربی تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی بود. نتایج پژوهش نشان داد که سطح دینداری ۵۰ درصد افراد نمونه بالا و ۴۷/۷ درصد متوسط و تنها ۲/۳ درصد افراد سطح دینداریشان ضعیف بوده است. همچنین ۵۱/۶ درصد افراد سطح

دارای بیشترین اثر بر سرمایه اجتماعی تلقی کرد و در نهایت دینداری دارای تأثیر کل برابر با ۰/۱۲۹ تقریباً برابر با ۰/۱۳ بر سرمایه اجتماعی بوده است. شاخص‌های برازش مدل نشان می‌دهند که مدل از برازش خوبی برخوردار است. بدین صورت که شاخص

$$chis - square \text{ هنجار شده } \left(\frac{Chisquare}{df} \right)$$

بیانگر ارزش عددی ای برابر با ۱/۸۲ است و این عدد بر اساس آنچه که شوماخر و لومکس (۲۰۰۹) مقدار قابل قبول آنرا در فاصله ۱ تا ۵ پیشنهاد می‌کنند، مقدار خوبی است.

علاوه بر شاخص فوق، شاخص‌هایی دیگر نیز برای مدل مزبور محاسبه شده که یکی از این شاخص‌ها، شاخص RMSEA (ریشه میانگین مربعات خطای برآورد) است که بیانگر ارزش عددی ای برابر با ۰/۰۴۶ است و از آنجا که این مقدار کوچکتر از ۰/۰۵ به دست آمده، یک برازش خوب مدل را نشان می‌دهد.

شاخص دیگر، شاخص نیکویی برازش GFI است. این شاخص هر چقدر به یک نزدیک تر باشد، بیانگر برازش بهتر مدل است که در مدل حاضر این شاخص ۰/۹۲ است که حاکی از برازش بسیار خوب مدل است.

شاخص دیگری که محاسبه شده، شاخص AGFI است. این شاخص شکل هنجار شده GFI است. میزان این شاخص هم ۰/۹۰ به دست آمده است که یک برازش مطلوب را نشان می‌دهد.

بنابر آنچه ذکر آن رفت، شاخص‌های برازش مدل در مجموع حاکی از قابل قبول بودن مدل است. به عبارت

۱-اطلاعات مربوط به تک تک داده‌های آماری در پایان نامه‌ای با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی از نگارندگان در دانشگاه آزاد دهاقان موجود است.

دولتی نداشتند. آگاهی سیاسی (سطح کلان) افراد نیز هر چند از وضعیت آگاهی در سطح میانه بهتر است؛ اما در مجموع در حد بسیار بالایی که بتواند برانگیزنده مشارکت باشد نیست و از آنجائی که بین این شاخصها رابطه وجود دارد شاید عدم مشارکت در سطح کلان به دلیل پایین بودن بسیار زیاد میزان اعتماد به حکومت باشد که با وجود میزان آگاهی نسبتاً خوب با این حال مشارکت پایین است.

در مورد شاخص اعتماد نیز در حالی که درصد بالایی از افراد به اعضای خانواده، اقوام و در کل آشنایان و نزدیکان (سطح خرد) اعتماد خیلی بالایی داشتند در عوض حدود ۷۰٪ از پاسخگویان اظهار داشتند که اصلاً به افراد غریبه (سطح میانه) اعتماد ندارند، میزان اعتماد افراد به نهادها و سازمان‌های دولتی (به غیر از پلیس و نیروی انتظامی که پاسخگویان اعتماد زیادی به این نهاد داشتند) در مجموع در وضعیت مناسبی نبود و کم‌ترین میزان اعتماد به نمایندگان مجلس تعلق داشت که بسیار نگران‌کننده است. وضعیت مشارکت نیز به تبع دو شاخص قبلی در سطح خرد (با اقوام و خویشان و نزدیکان) وضعیت مناسب تری نسبت به سطح میانه یا در ارتباط با غریبه‌ها یا مشارکت با حکومت وجود دارد.

با توجه به مطالب مطرحه، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که هر چند میزان سرمایه اجتماعی درصد بالایی از پاسخگویان بالا و درصد بسیار کمی در سطح ضعیف قرار دارد؛ اما این میزان سرمایه اجتماعی بالا مربوط به میزان سرمایه اجتماعی پاسخگویان در سطح خرد یا در واقع آن چیزی است که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی خوانده می‌شود و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی که دارای دو شق سرمایه اجتماعی شکل گرفته ما بین افراد جامعه یا غریبه‌ها (کسانی که نمی‌شناسند) و سرمایه اجتماعی موجود در روابط افراد جامعه با حاکمیت سیاسی (حکومت) است، در وضعیت خوبی نیست؛ زیرا شاخصهای جزئی تشکیل

سرمایه اجتماعی‌شان بالا و ۴۳/۸ درصد در سطح متوسط و ۴/۷ درصد افراد سطح سرمایه اجتماعی‌شان ضعیف بوده است؛ اما متغیر سرمایه اجتماعی از شاخص‌های جزئی آگاهی، اعتماد و مشارکت تشکیل شده است و بین این سه شاخص رابطه وجود دارد. نگارندگان، معتقدند در فضایی که آگاهی وجود داشته باشد، افراد حساسیت و توجه بیشتری نسبت به امور خانوادگی، سیاسی و اجتماعی پیدا می‌کنند و در این شرایط، اگر اعتماد وجود داشته باشد، آنگاه افراد وارد مرحله مشارکت در امور پیشگفته می‌شوند. در واقع می‌توان گفت: اعتماد به عنوان پلی بین آگاهی و مشارکت عمل می‌کند. به عبارت دیگر مشارکت برآیندی از آگاهی و اعتماد است و تنها زمانی می‌توان ادعا کرد که سرمایه اجتماعی موجودیت واقعی یافته است که سرمایه اجتماعی از حالت ذهنی (آگاهی و اعتماد) یا به عبارت دیگر از حالت بالقوه به سرمایه اجتماعی بالفعل درآید و خود را در قالب رفتارهای مشارکت‌جویانه (در هر سه سطح خرد و میانه و کلان) نشان دهد. نتایج نشان می‌دهد، بالا بودن میزان سرمایه اجتماعی افراد عموماً به دلیل بالا بودن نمره‌هایشان در شاخص‌های جزئی آگاهی، اعتماد و مشارکت در سطح خرد (سطح خانواده، دوستان و نزدیکان) بوده است اما نمره‌هایی که در سطح میانه و کلان از شاخص‌های جزئی به دست آورده‌اند به نحو چشمگیری پایین بوده است. در مورد شاخص آگاهی تفاوت زیادی بین میزان آگاهی افراد در سطح خرد با سطح میانه و کلان وجود دارد، در حالی که افراد در سطح خرد از اوضاع و احوال خانواده، دوستان و آشنایان مطلع‌اند و سعی می‌کنند از یکدیگر با خبر باشند؛ اما در سطح میانه آگاهی و اطلاعات افراد از چگونگی فعالیت احزاب و سازمان‌های غیر دولتی بسیار پایین است، به طوری که درصد بسیار بالایی از افراد آگاهی و اطلاعاتی درباره چگونگی فعالیت احزاب و اکثریت افراد آگاهی درباره عضویت در سازمان‌های غیر

دهنده سرمایه اجتماعی در این گونه سرمایه اجتماعی نشان دهنده وضعیت مطلوبی نیست، چرا که شاخصهای آگاهی و اعتماد و مشارکت در سطح میانه و کلان که تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی برون گروهی است، بسیار پایین است. بنابر این هر چند که نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد که دینداری و ابعاد آن تأثیر مثبت و مستقیم و معنادار بر میزان سرمایه اجتماعی دارند و بنابر این کسانی که دینداری بالاتری دارند، دارای میزان سرمایه اجتماعی بالاتری هستند؛ اما دینداری تنها قادر به افزایش سرمایه اجتماعی برون گروهی است و میزان سرمایه اجتماعی برون گروهی افراد در سطح مناسبی نیست. دیدگاه فوکویاما (۱۳۷۹) در این زمینه به بهترین شکل تبیین کننده این نتایج است که معتقد است، تنها ادیانی می‌توانند باعث شکل‌گیری سرمایه اجتماعی شوند که علاوه بر ایجاد اعتماد داخلی و روابط برون گروهی و تبادل اطلاعات در گروه زمینه برقراری روابط مؤثر و مفید را با دیگر افراد متفاوت نیز ایجاد کنند. او برای روشن شدن دیدگاهش از مفهوم شعاع اعتماد استفاده کرده است. بدین معنی که مردم تا چه میزان به افرادی که مشابه به خودشان نیستند، اعتماد دارند. آیا تنها از افراد خانواده، دوستان و آشنایان حلقه‌ای به دور خود ساخته‌اند که با دیگر حلقه‌های موجود در اجتماع همکاری مشترکی نداشته و گاه نیز در تضاد قرار می‌گیرند و یا ممکن است شعاع اعتماد گسترده و وسیع‌تری را شامل شود و شعاع همکاری و همیاری با دیگر افراد جامعه را نیز در بر می‌گیرد. از نظر فوکویاما تمام گروه‌هایی که درون خود سرمایه اجتماعی دارند، شعاع اعتماد معینی دارند؛ یعنی دایره‌ای از افراد که در میانشان هنجارهایی مشترک وجود دارد، در واقع اگر سرمایه اجتماعی گروهی پیامدهای مثبت داشته باشد، شعاع اعتماد از خود گروه بزرگ‌تر خواهد بود. وی معتقد است در جوامع سنتی گروه‌هایی همچون گروه‌های مذهبی شعاع‌های اعتمادشان محدود است و پیوستگی

درون گروهی از توانایی اعضای گروهی برای همکاری با بیگانه‌ها و افراد خارج از گروه می‌کاهد. با این که فوکویاما در این نظرات بیشتر بر شاخص اعتماد تأکید دارد با این حال اذعان دارد، در صورتی که شعاع اعتماد گروه از خود گروه بزرگ‌تر باشد به مشارکت و تبادل اطلاعات با افراد غیر خودی منجر می‌شود و در واقع سرمایه اجتماعی برون گروهی به وجود می‌آید بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که دینداری موجود در بین افراد جامعه نمونه پیوستگی برون گروهی شدیدی بین اعضا ایجاد کرده است، ضمن آنکه شعاع اعتماد محدودی را برای آنها به وجود آورده است که باعث عدم اعتماد به افراد غریبه و باصطلاح فوکویاما غیر خودی و عدم تمایل به تبادل اطلاعات با آنها و در نتیجه نداشتن مشارکت با آنها شده و بنابراین باعث پایین آمدن میزان سرمایه اجتماعی بین گروهی در میان آنان شده است. ضمن آن که آدی (۱۳۷۷) نیز از این تأثیر دینداری به عنوان کژکارکرد یاد کرده است و اظهار کرده است که دین می‌تواند افراد را چنان وابسته گروه سازد که کشمکش با گروه‌های دیگر را تشدید کند و از سازگاری با گروه‌های دیگر جلوگیری کند. از سوی دیگر با توجه به این که دین اسلام توصیه‌های مؤکد درباره حسن رفتار با دیگران، رعایت حقوق همه شهروندان و یاری و کمک به محرومان و ایتام، داشتن حس ظن به دیگران و صدقه دادن و خیرات و ... دارد که همه می‌تواند باعث افزایش سرمایه اجتماعی برون گروهی شود دارد. به نظر می‌رسد یا این آموزه‌های اسلام به اندازه کافی در فرآیند اجتماعی شدن افراد در وجودشان نهادینه نشده است و یا اینکه عالمان دینی و کارگزاران نهاد دین با این که تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند، نتوانسته‌اند مروج چنین رفتارهایی در سطح وسیع گردند.

منابع

- ۱- آرون، ریمون. (۱۳۸۱). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه محمد باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲- ایوانز، دیوید. (۱۳۸۰). بررسی مجدد رابطه دین و جرم، ترجمه علمی سلیمی، نشریه حوزه و دانشگاه، شماره بیست و سوم.
- ۳- بهزاد، داوود. (۱۳۸۱). «سرمایه اجتماعی بستری برای ارتقاء سلامت روان» فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره شش.
- ۴- پاتنام، روبرت. (۱۳۸۴). جامعه بر خوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی در سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی، یحیی کیان تاجبخش، تهران: شیرازه.
- ۵- تامسون، کنت. (۱۳۸۱). «دین و اقتصاد» در دین و ساختار اجتماعی، ترجمه علی بهرامپور و حسن محدثی، تهران: کویر.
- ۶- تحقیقی، امیر حسین. (۱۳۸۲). «سرمایه اجتماعی و توسعه نیافتگی تحقیقات»، نشریه اندیشه صادق، شماره یازدهم و دوازدهم.
- ۷- ترنر، جانان و بیگلی، ال. (۱۳۸۴). پیدایش نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز: نوید.
- ۸- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی دین، تهران: سخن.
- ۹- رنانی، محسن. (۱۳۸۱). «تناسب در اقتدار»، نشریه دنیای اقتصادی، شماره دوازدهم و چهاردهم.
- ۱۰- فاین، بن. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی، ترجمه سید محمد کمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۱- فیروز آبادی، سید احمد. (۱۳۸۴). «سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران»، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۱۲- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹). پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.
- ۱۳- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه کنش، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- ۱۴- قاسمی، وحید و اسماعیلی، رضا ربیعی، کامران. (۱۳۸۵). «سطح بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره بیست و سوم.
- ۱۵- کاظمی پور، عبدالمجید. (۱۳۸۳). سرمایه اجتماعی در ایران (تحلیل ثانویه پیمایش‌های ۱۳۸۲-۱۳۵۳)، تهران: انتشارات طرح‌های ملی.
- ۱۶- کوزر، لوئیس. (۱۳۸۲). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ دهم.
- ۱۷- کیان تاجبخش، یحیی. (۱۳۸۴). «وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران» مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره نهم، شماره دوم.
- ۱۸- گنجی، محمد. (۱۳۸۳). «تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات، دانشگاه اصفهان.
- ۱۹- متوسلی، محمود و بی‌نیاز، علی. (۱۳۸۰). «رویکردی به ارزیابی سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران»، مجله برنامه و بودجه، شماره هفتاد و پنجم.
- ۲۰- موسوی، میرطاهر. (۱۳۸۵). «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره بیست و سوم.
- ۲۱- ویر، ماکس. (۱۳۸۵). اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۲- ویلم، ژان پل. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: تبیان.

on the Quality of Mother-Child Relations. *American Sociological Review*, Vol. 63, pp.810-828.

33- Putnam, Robert D., editor. (2002). *Democracies in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*, NY: Oxford University Press Inc.

34- Schumacker, R.E., and Lomax, R.G. (2004). *A beginner's guide to structural equation modeling*. N.J. Mahwah: Lawrence Erlbaum Associates

35- Vonnegut, Kurt., Updike, John and Wakefield, Dan. (1996). *Religion and Social Capital*. The Polis Center, <http://www.polis.iupui.edu/RUC/Newsletters/Religion/vol2no2.htm>.

36- Worms, Jean-Pierre. (2004). Old and New Civic and Social Ties in France. In , in Robert Putnam (Ed.) *Democracies in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*. Oxford, UK: Oxford University Press.

37- Wuthnow, R. (2002). Religious involvement and status-bridging social capital. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 41, pp. 669-684.

38- Yeung, A. Birgitta. (2004). An Intricate Triangle— Religiosity, Volunteering, and Social Capital: The European Perspective, the Case of Finland. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, Vol. 33, pp. 401- 422.

۲۳- همیلتون، ملکم. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی دین،

ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تیان.

24- Ajzen, Icek. (2005). *Attitudes, personality, and behaviour*. England: Open University Press.

25- Beyerlein, Kraig and Hipp, John R. (2005). *Social Capital, Too Much of a Good Thing?*

26- *American Religious Traditions and Community Crime*. *Social Forces*. Vol. 84, pp. 991-1009.

27- Candland, Christopher. (2001). *Faith as Social Capital: Religion and Community*

28- *Development in Southern Asia, Policy Sciences*, Vol. 33 pp. 3-20.

29- Fukuyama, Francis. (1999). *Social capital and civil society*. Washington, D.C., International Money Fund Conference on Second Generation Reform.

30- Johnson R. Byron, and Jang, Sung Joon. (2004). Explaining Religious Effects on Distress Among African Americans. *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. 43, pp. 239-260.

31- Offe, Claus and Fuchs, Susanne (2002) *A Decline of Social Capital? The German Case*, in Robert Putnam (ed.) *Democracies in Flux*, pp. 189–243. Oxford: Oxford University Press

32- Pearce, Lisa D. and Axinn, William. (1998). *The Impact of Family Religious Life*